

بررسی حقوقی اثر ابطال رأی داورى بر صلاحیت عام محاکم در رسیدگی به ماهیت دعوا

یادداشتی با موضوع: «اثر ابطال رأی داورى بر صلاحیت عام محاکم در رسیدگی به ماهیت دعوا»

به قلم فرهاد پیری

پایگاه خبری اختصار- پس از ابطال رأی داورى توسط مقام قضایی صلاحیت‌دار، این سوال پیش روی طرفین قرار می‌گیرد که برای حل اختلاف حل نشده خود، آیا باید مجدداً به داورى مراجعه کنند و یا اینکه دعوای خود را در دادگاه صالح مطرح نمایند؟ به بیان دیگر، آیا ابطال رأی داورى، منجر به زوال خود قرارداد داورى نیز می‌شود و یا اینکه الزام طرفین در ارجاع اختلافشان به داورى، همچنان پابرجاست؟

تحلیل و بررسی:

پاسخ بیشتر قوانین ملی کشورها به این سوال، این است که پس از ابطال رأی داورى در دادگاه، طرفین باید برای حل و فصل اختلافشان به دادگاه صالح مراجعه کنند و دیگر نمی‌توانند بدون تراضی مجدد، به داورى رجوع کنند. برای مثال می‌توان به ماده 830 قانون آیین دادرسی مدنی ایتالیا (با اصلاحات سال 2006) و همچنین ماده 1493 قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (با اصلاحات سال 2011) اشاره کرد. همین پاسخ در تبصره ماده 491 قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز تکرار شده است که مقرر می‌دارد: «در مواردی که ارجاع امر به داورى از طریق دادگاه نبوده است و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد»؛ در تفسیر این ماده نیز گفته شده است: «بنابراین با چشم‌پوشی از علت بطلان رأی داورى، رجوع دوباره به مرجع داورى پیش‌بینی نشده است و مدعی حق باید در دادگاه صالح دعوایی تمام عیار اقامه نماید» (عبداله شمس، «آیین دادرسی مدنی: جلد سوم»، انتشارات دراک، 1390، شماره 1207)؛ همچنین در تکمیل این دیدگاه، گفته شده است که: «اگر رأی داور ابطال شود، طرفین در این وضعیت، با ناامید شدن از داورى، انتظار تکرار این فرآیند را ندارند و توسل به دادگاه را خواستارند. این انتظار مشروع و متعارف را باید حمایت نمود و بیشتر از آنچه که اقتضای داورى و خواست طرفین است، بر آن‌ها و قراردادشان تحمیل نکرد. ضمن اینکه تکرارپذیری داورى یا عدم تکرار آن، قبل از هر چیز به مفاد قرارداد و قصد طرفین مربوط می‌شود» (عبداله خدابخشی، «حقوق داورى و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی»، شرکت سهامی انتشار، 1395، ص 279).

با وجود این، امروزه دیدگاه حمایت از داورى و همچنین لزوم تفکیک میان علل ابطال رأی داورى، پاسخ دیگری را پیش روی ما قرار داده است. در این خصوص می‌توان ماده 1067 قانون آیین دادرسی مدنی هلند (با اصلاحات سال 2015) (اینجا) را مثال زد که تصریح می‌دارد: «پس از نهایى شدن حکم ابطال رأی داورى، در صورتیکه ابطال رأی داورى به دلیل بی‌اعتباری قرارداد داورى بوده باشد، در این صورت رسیدگی به دعوا در صلاحیت دادگاه خواهد بود؛ لیکن در صورتیکه ابطال رأی داورى به دلیل سایر موارد بوده باشد، در این صورت قرارداد داورى همچنان لازم‌الاجرا خواهد بود مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند». بنابراین در صورتیکه ابطال رأی داورى به دلایلی غیر از اعتبار خود قرارداد داورى (مانند عدم تطابق ترکیب هیأت داورى یا آیین دادرسی با قرارداد داورى، مستند بودن رأی داورى به اسناد جعلی) بوده باشد، باید مجدداً برای حل و فصل اختلاف به داورى رجوع کرد.

با توجه به آنکه در قانون داورى تجارى بين‌المللى ايران، پاسخ روشنى در خصوص آثار ابطال رأى داورى وجود ندارد، قضات يا داوران دو راه حل را پيش رو خواهند داشت: راه حل اول اين است كه ماده 491 قانون آيين دادرسى مدنى ايران را در مورد داورى‌هاى مشمول قانون داورى تجارى بين‌المللى نيز به كار گيرند و در نتيجه، مهر تأييدى بر صلاحيت دادگاه در رسيدگى به ماهيت دعوا بگذارند؛ در مقابل، راه حل دوم نيز اين است كه با توجه به قلمرو اعمال متفاوت اين دو قانون و بدون اعمال ماده 491 ياد شده، پاسخ مسئله را در «اصول حقوقى» بيايند و در اين رابطه، پاسخى مشابه با ماده 1067 قانون آيين دادرسى مدنى هلند را در خصوص لزوم تفكيك علل ابطال رأى داورى به كار گيرند و بدين‌گونه، ضمن حمايت از داورى، قرارداد داورى را نيز همچنان لازم‌الاجرا بدانند. بديهى است راه حل دوم (به ويژه در داورى‌هاى تجارى بين‌المللى)، پاسخ بهترى خواهد بود.

منبع: مركز داورى اتاق بازرگانى

یک قاضی